

نامه ای به سازمان ملل و وجدان جهانی

از وجدان انسانی به نام انسان

به دبیر کل سازمان ملل متحد، به اعضای شورای امنیت، و به هر انسانی که هنوز وجدان دارد !

من و ما قربانیان خاموش جنگ های دنیای امروز، این فریاد را نه برای تکرار رنج، بلکه برای پایان دادن به آن بر خط زرین و صلح آمیز می نویسیم. از خاکستر کشور افغانستان تا ویرانی های غزه، از ترس جنگ جاری در قلب های مردم ایران تا سوگواری های بی پایان در لبنان، سوریه، یمن، اوکراین، روسیه، عراق و سایر نقاط جهان که در سرزمینش آتش دود بارود شعله می کشد و مردمش تاب تحمل همه خون را ندارند. در دنیایی که قرار بود با علم و ارتباط و تمدن، یک دهکده جهانی و همچنان به درک و همدلی برسیم، هنوز کودکان بی گناه زیر خرمها فیر های راکت، موشک های سیاستمداران دفن می شوند. هنوز سر میزهای قدرت، تصمیم برای مرگ و زندگی انسان ها با حق « ویتو » و منافع هدف های بزرگ گرفته می شود، نه با دل های بیدار.

سوال بمیان می آید و پرسیده می شود که :

- چگونه است که روسیه در اوکراین شهر ها را با خاک یکسان می کند و هیچ قطعنامه الزام آوری قدرت اجرایی ندارد ؟
- چرا اسرائیل با وجود حکم باز داشت بین المللی برای نخست وزیرش، همچنان بی پروا تر از همیشه زنان و کودکان را در غزه و جنوب لبنان هدف قرار می دهد ؟
- چه شد آن وعده ها که گفتند « حقوق بشر، جهان شمول است » ؟ آیا خون کودکی در خاور میانه یا شرق اروپا، رنگ متفاوت دارد ؟

ما می دانیم که سازمان ملل، اگر اراده داشته باشد، می تواند بیشتر از صدور بیانیه باشد. اما نه وقتی امریکا قطعنامه علیه اسرائیل را « ویتو » می کند، و نه وقتی چین و روسیه نیز متقابلاً « ویتو » خود را علیه محکومیت های دیگر به کار می برند، ما دیگر فقط صلح نمی خواهیم، ما عدالت می خواهیم.

ما از سازمان ملل و جهان می خواهیم :

- 1- به کشتار غیر نظامیان، بدون تبعیض، واکنش واقعی نشان دهند.
- 2- نظام حق « ویتو » اصلاح شود تا تصمیم گیری برای صلح جهانی در گرو و منافع پنج کشور نباشد.
- 3- کمیسیون مستقل حقیقت یاب برای جنگ های اوکراین، غزه، سودان، یمن و ایران فعال و بی طرفانه ایجاد شود.

شما نمی توانید آینده ای انسانی بسازید ، اگر در برابر جنایت، سکوت کنید. ما تنها صدایی هستیم از میلیون ها دل شکسته. اما گاهی یک صدا، تاریخ را بیدار می کند.

به نام انسان، نه نژاد، نه دین، نه مرز

با احترام از سویی یکی از میلیون ها انسان صلح طلب و خسته از جنگ « سراج ادیب »

